

تأثیر طراحی فضاهای عمومی بر ارتقای امنیت اجتماعی شهری: مطالعه موردی خیابان سپه قزوین

قاسم مافی^{۱*}، حسن ساجدی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵

چکیده

امنیت اجتماعی در فضاهای عمومی شهری یکی از بنیادی‌ترین پیش‌شرط‌های پویایی حیات جمعی و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان به شمار می‌آید. در دهه‌های اخیر، رشد سریع شهرنشینی، گسترش فضاهای بی‌دفاع شهری و شکل‌گیری محلات و فضاهای بی‌هویت، سبب افزایش احساس ناامنی در میان ساکنان شهرها شده است. این احساس، حتی اگر با آمار وقوع جرم هم‌خوانی کامل نداشته باشد، پیامدهایی جدی بر الگوهای رفتاری شهروندان برجای می‌گذارد؛ از جمله کاهش حضور در فضاهای عمومی، افت تعاملات اجتماعی و تضعیف سرمایه اجتماعی. در چنین شرایطی، طراحی آگاهانه و هدفمند فضاهای عمومی می‌تواند نقشی کلیدی در پیشگیری از بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و تقویت احساس امنیت ایفا کند. عواملی همچون روشنایی مناسب در شب، تنوع و پویایی کاربری‌ها، امکان نظارت طبیعی از طریق حضور مداوم شهروندان، حذف فضاهای متروکه یا بلااستفاده، شفافیت بصری، و رعایت مقیاس انسانی، می‌توانند به ارتقای امنیت اجتماعی و افزایش حس تعلق شهروندان به فضا منجر شوند. روش تحقیق این پژوهش، کیفی با رویکرد تفسیری و شیوه گردآوری مطالب، اسنادی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش طراحی فضاهای عمومی در ارتقای امنیت اجتماعی شهری، می‌کوشد ابعاد نظری و عملی این موضوع را واکاوی کند و با تکیه بر شواهد موجود، الگوها و معیارهایی را معرفی نماید که بتوانند در فرآیند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری مورد استفاده مدیران و تصمیم‌گیران قرار گیرند. اهمیت این مطالعه از آن جهت است که امنیت اجتماعی، عامل پیونددهنده شهروندان با فضا و شرط اساسی برای پایداری حیات شهری است. دستیابی به شهرهایی ایمن‌تر و زنده‌تر، بدون تردید نیازمند توجه جدی به کیفیت طراحی فضاهای عمومی است؛ زیرا این فضاها صحنه اصلی شکل‌گیری تجربه روزمره شهری و بازتاب‌دهنده سطح توسعه اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ارتقای کیفیت طراحی فضاهای عمومی می‌تواند با افزایش حضورپذیری، تنوع کاربری و تقویت نظارت طبیعی، زمینه‌ساز ارتقای امنیت اجتماعی در محیط‌های شهری باشد.

کلمات کلیدی: طراحی فضاهای عمومی، امنیت اجتماعی، مدیریت شهری، فضای عمومی شهری.

۱. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناس حوزه معاونت شهرداری ناحیه یک قزوین.

۱. مقدمه

شهرها به عنوان بستر اصلی زندگی جمعی، همواره عرصه شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده‌اند. کیفیت محیط شهری و نحوه سازمان‌یابی فضاهای آن می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر رفتار، روابط اجتماعی و کیفیت زندگی شهروندان داشته باشد. در این میان، فضاهای عمومی شهری از مهم‌ترین عناصر ساختار اجتماعی و کالبدی شهر محسوب می‌شوند؛ زیرا بستری برای حضور و فعالیت گروه‌های مختلف اجتماعی، برقراری ارتباط، تعامل و شکل‌گیری روابط میان شهروندان فراهم می‌کنند. پارک‌ها، میدان‌ها، پیاده‌راه‌ها، فضاهای باز شهری و سایر عرصه‌های عمومی، علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای عملکردی شهروندان، می‌توانند نقش مهمی در ایجاد حس تعلق به مکان، تقویت هویت جمعی و افزایش سرمایه اجتماعی داشته باشند. از این رو، برخورداری شهروندان از فضاهای عمومی باکیفیت و امکان دسترسی برابر به این فضاها، یکی از الزامات شکل‌گیری زندگی اجتماعی مطلوب و جامعه مدنی به شمار می‌رود (شریعتی مزینانی و فروغ‌زاده، ۱۳۹۶). فضای عمومی زمانی می‌تواند نقش واقعی خود را در زندگی اجتماعی ایفا کند که شهروندان احساس کنند حضور در آن امکان‌پذیر، مطلوب و ایمن است. در واقع، میزان حضورپذیری یک فضای شهری تا حد زیادی تحت تأثیر کیفیت محیط و احساس امنیت کاربران قرار دارد. چنانچه شهروندان یک فضای عمومی را ناامن یا تهدیدکننده ادراک کنند، احتمال کاهش حضور آنان در فضا، به‌ویژه در ساعات خاصی از شبانه‌روز، افزایش می‌یابد. کاهش حضور شهروندان نیز می‌تواند موجب خلوت‌شدن فضا و کاهش نظارت اجتماعی شود و در نتیجه، احساس ناامنی را تشدید کند. بنابراین، امنیت اجتماعی یکی از عوامل اساسی در تداوم حضور شهروندان و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی است. امنیت از نیازهای اساسی انسان و یکی از پیش‌شرط‌های شکل‌گیری زندگی سالم اجتماعی محسوب می‌شود. انسان همواره در تلاش بوده است تا با ایجاد سازوکارهای مختلف، امنیت خود و جامعه را تأمین کند. پس از شکل‌گیری جوامع انسانی نیز تأمین امنیت به یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های زندگی جمعی تبدیل شده است. وجود امنیت می‌تواند زمینه‌ساز توسعه شهرنشینی، رونق فعالیت‌های اقتصادی، افزایش رفاه اجتماعی و شکل‌گیری نظم و پایداری در جامعه باشد (زارعی و الماسی، ۱۳۹۵). از این منظر، امنیت اجتماعی در شهر تنها به معنای نبود جرم و بزهکاری نیست، بلکه احساس آرامش، اطمینان و آسودگی شهروندان در هنگام حضور و فعالیت در محیط شهری را نیز شامل می‌شود.

در این زمینه، باید میان امنیت واقعی و احساس امنیت تمایز قائل شد. ممکن است یک فضای شهری از نظر آمار وقوع جرم، شرایط مطلوبی داشته باشد، اما به دلیل ویژگی‌های کالبدی نامناسب، تاریکی، وجود نقاط کور، فضاهای متروکه، نبود فعالیت اجتماعی یا کاهش حضور شهروندان، از دید کاربران ناامن تلقی شود. به همین ترتیب، طراحی مناسب و حضور مداوم افراد می‌تواند احساس امنیت را در محیط افزایش دهد. بنابراین، ادراک شهروندان از امنیت، در کنار میزان واقعی وقوع جرم، یکی از عوامل مهم در تعیین میزان استفاده آنان از فضاهای عمومی است. گسترش شهرنشینی و تغییر الگوهای زندگی، افزایش جمعیت و توسعه کالبدی شهرها، ضرورت توجه به امنیت فضاهای عمومی را بیش از گذشته آشکار کرده است. برخی فضاهای شهری به دلیل ضعف در طراحی و سازمان‌دهی کالبدی، نبود کاربری‌های فعال، دسترسی نامناسب، کمبود روشنایی و وجود فضاهای رهاشده، زمینه ایجاد احساس ناامنی را فراهم می‌کنند. این مسئله می‌تواند به کاهش حضورپذیری و تعاملات اجتماعی منجر شود و در بلندمدت کیفیت زندگی شهری را تحت تأثیر قرار دهد. در مقابل، فضاهای عمومی پویا و سرزنده که از فعالیت‌های متنوع و حضور گروه‌های مختلف اجتماعی برخوردارند، معمولاً از نظارت اجتماعی بیشتری برخوردار بوده و می‌توانند احساس امنیت بیشتری در میان شهروندان ایجاد کنند.

در این میان، طراحی شهری به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در شکل‌دهی و هدایت محیط شهری، می‌تواند نقش مهمی در ارتقای امنیت اجتماعی داشته باشد. ویژگی‌های کالبدی فضا، نحوه سازمان‌یابی فعالیت‌ها، کیفیت دسترسی، میزان دید و نظارت‌پذیری و همچنین چگونگی ارتباط فضا با محیط پیرامون، همگی می‌توانند بر رفتار و احساس شهروندان تأثیرگذار باشند. تأمین روشنایی مناسب، افزایش خوانایی و شفافیت محیط، حذف یا سامان‌دهی فضاهای بلااستفاده، ایجاد کاربری‌های فعال در ساعات مختلف شبانه‌روز، بهبود دسترسی و نفوذپذیری، تقویت نظارت طبیعی و ایجاد فضاهای مناسب برای حضور و مکث شهروندان، از جمله مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند به افزایش امنیت و حضورپذیری در فضاهای عمومی کمک کنند. یکی از مهم‌ترین اصول در این زمینه، تقویت نظارت طبیعی است. حضور مداوم و متنوع شهروندان در فضاهای عمومی موجب می‌شود افراد به صورت غیررسمی بر محیط و رفتارهای موجود در آن نظارت داشته باشند. فعال بودن جداره‌های شهری، وجود کاربری‌های تجاری و خدماتی و حضورپذیری فضا در ساعات مختلف روز و شب، می‌تواند از خلوت‌شدن محیط جلوگیری کرده و امکان نظارت اجتماعی را افزایش دهد.

ایجاد فضاهایی متناسب با نیاز گروه‌های مختلف سنی و اجتماعی و فراهم کردن امکان حضور و مشارکت آنان می‌تواند به افزایش حس تعلق، تعاملات اجتماعی و در نهایت ارتقای امنیت کمک کند. بنابراین، امنیت اجتماعی در فضای عمومی حاصل تعامل میان عوامل کالبدی، عملکردی و اجتماعی است و نمی‌توان آن را صرفاً از طریق اقدامات انتظامی یا کنترل رسمی تأمین کرد. بر این اساس، طراحی فضای عمومی نباید تنها با هدف زیباسازی یا پاسخ‌گویی به نیازهای عملکردی انجام شود، بلکه لازم است امنیت، حضورپذیری، تعامل اجتماعی و کیفیت زندگی نیز در فرایند طراحی مورد توجه قرار گیرد. فضای عمومی مطلوب فضایی است که شهروندان در آن بتوانند با آرامش و اطمینان حضور یابند، فعالیت کنند و با دیگران تعامل داشته باشند. ایجاد چنین فضاهایی می‌تواند علاوه بر کاهش احساس ناامنی، موجب افزایش حضور شهروندان، تقویت روابط اجتماعی، ارتقای حس تعلق و افزایش سرمایه اجتماعی شود. از این رو، امنیت و کیفیت فضای عمومی رابطه‌ای دوسویه دارند؛ فضای امن و باکیفیت زمینه حضور بیشتر شهروندان را فراهم می‌کند و حضور بیشتر شهروندان نیز از طریق افزایش نظارت اجتماعی و تعاملات جمعی، به ارتقای امنیت محیط کمک می‌کند. با توجه به اهمیت فضاهای عمومی در شکل‌گیری زندگی اجتماعی و نقش طراحی شهری در ایجاد محیط‌های امن و حضورپذیر، بررسی رابطه میان مؤلفه‌های طراحی فضاهای عمومی و امنیت اجتماعی ضرورت می‌یابد. شناسایی عوامل کالبدی و عملکردی مؤثر بر احساس امنیت می‌تواند به مدیران و برنامه‌ریزان شهری کمک کند تا در طراحی و بازآفرینی فضاهای عمومی، علاوه بر جنبه‌های زیبایی‌شناختی و عملکردی، نیازهای اجتماعی و امنیتی شهروندان را نیز مورد توجه قرار دهند. بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با بررسی نقش طراحی فضاهای عمومی شهری در تقویت امنیت اجتماعی، مؤلفه‌های مؤثر در این زمینه را شناسایی کرده و راهکارهایی کاربردی برای مدیران، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری ارائه دهد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که امنیت اجتماعی نه تنها یکی از مؤلفه‌های اساسی زیست‌پذیری شهری است، بلکه پیش‌شرطی مهم برای ارتقای کیفیت زندگی، افزایش مشارکت اجتماعی و تداوم حیات جمعی در شهرها محسوب می‌شود.

۲. اهداف پژوهش

هدف اصلی به شرح ذیل می‌باشد:

- بررسی نقش طراحی فضاهای عمومی در ارتقای امنیت اجتماعی شهری با رویکردی کاربردی در مدیریت شهری (مطالعه موردی: خیابان سپه قزوین).

و همچنین اهداف فرعی شامل موارد زیر می‌باشد:

- شناسایی شاخص‌های طراحی مؤثر بر امنیت اجتماعی.

- بررسی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی و عملکردی فضاهای عمومی بر احساس امنیت شهروندان.

- تحلیل وضعیت خیابان سپه قزوین از منظر شاخص‌های امنیت اجتماعی.

- ارائه راهکارهای کاربردی برای بهبود طراحی فضاهای عمومی و ارتقای امنیت اجتماعی در مدیریت شهری.

۳. ضرورت پژوهش

امنیت اجتماعی در فضاهای عمومی یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های کیفیت زندگی شهری و از پیش‌شرط‌های اساسی شکل‌گیری محیطی مطلوب، پویا و پایدار به شمار می‌رود. فضای عمومی زمانی می‌تواند نقش واقعی خود را در زندگی شهری ایفا کند که شهروندان بتوانند با احساس آرامش و اطمینان در آن حضور یابند، فعالیت‌های روزمره خود را انجام دهند و با سایر افراد جامعه تعامل برقرار کنند. از این منظر، امنیت تنها به معنای نبود جرم و رفتارهای آسیب‌زا نیست، بلکه احساس آرامش، اطمینان و قابلیت پیش‌بینی محیط نیز بخش مهمی از مفهوم امنیت اجتماعی را تشکیل می‌دهد. به همین دلیل، کیفیت محیط شهری و نحوه ادراک شهروندان از فضا می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان حضور و استفاده آنان از فضاهای عمومی داشته باشد. هنگامی که شهروندان یک فضای عمومی را ناامن تلقی می‌کنند، معمولاً از حضور طولانی‌مدت در آن اجتناب کرده و ترجیح می‌دهند فعالیت‌های خود را در فضاهای خصوصی، بسته و کنترل‌شده انجام دهند. تداوم چنین وضعیتی موجب کاهش حضور اجتماعی در فضاهای عمومی می‌شود و در نتیجه، فرصت‌های تعامل میان افراد نیز کاهش می‌یابد. این فرایند می‌تواند یک چرخه منفی ایجاد کند؛ به این معنا که کاهش حضور شهروندان موجب خلوت‌تر شدن فضا شده و خلوتی فضا نیز می‌تواند احساس ناامنی را افزایش دهد. در چنین شرایطی، نظارت طبیعی و غیررسمی شهروندان بر محیط کاهش یافته و فضا بیش از پیش مستعد شکل‌گیری رفتارهای ناهنجار و آسیب‌های اجتماعی خواهد شد. بنابراین، میان حضورپذیری، سرزندگی، نظارت اجتماعی و امنیت رابطه‌ای متقابل وجود دارد که توجه به آن در برنامه‌ریزی

و طراحی فضاهای عمومی ضروری است. از سوی دیگر، ناامنی در فضاهای عمومی پیامدهایی فراتر از ترس یا نگرانی فردی دارد و می‌تواند بر ساختار اجتماعی شهر نیز اثرگذار باشد. کاهش حضور شهروندان در فضاهای عمومی، فرصت‌های گفت‌وگو، آشنایی، همکاری و شکل‌گیری روابط اجتماعی را محدود می‌کند و در بلندمدت می‌تواند موجب تضعیف سرمایه اجتماعی و کاهش حس تعلق افراد به محله و شهر شود.

در مقابل، فضاهای عمومی امن و مطلوب، زمینه‌ای برای شکل‌گیری تعاملات روزمره، ارتباط میان گروه‌های مختلف اجتماعی و مشارکت شهروندان در زندگی جمعی فراهم می‌کنند. به همین دلیل، امنیت اجتماعی را باید نه صرفاً یک موضوع انتظامی و پلیسی، بلکه پدیده‌ای چندبعدی دانست که ابعاد اجتماعی، روان‌شناختی، کالبدی، اقتصادی و مدیریتی را در بر می‌گیرد. در این میان، ویژگی‌های کالبدی و فضایی محیط شهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نحوه سازماندهی معابر، میزان روشنایی، کیفیت دید و منظر، میزان نفوذپذیری فضا، نحوه استقرار کاربری‌ها، فعال یا غیرفعال بودن جداره‌های شهری، وجود فضاهای رهاشده و متروک، کیفیت مبلمان شهری و میزان دسترسی و حضورپذیری افراد، همگی می‌توانند بر نحوه استفاده شهروندان از فضا و احساس امنیت آنان تأثیر بگذارند. برای نمونه، فضایی که از روشنایی مناسب، دیدپذیری مطلوب، فعالیت‌های متنوع و جداره‌های فعال برخوردار است، معمولاً امکان حضور و نظارت بیشتری را فراهم می‌کند؛ در حالی که فضاهای تاریک، متروک، کم‌تحرک و فاقد فعالیت می‌توانند زمینه شکل‌گیری احساس ناامنی را افزایش دهند. بنابراین، طراحی و برنامه‌ریزی شهری می‌تواند از طریق ایجاد شرایط مناسب محیطی، نقش مهمی در کاهش زمینه‌های بروز ناامنی و افزایش امنیت ادراک‌شده شهروندان ایفا کند.

اهمیت این موضوع در شرایط معاصر شهرنشینی دوچندان شده است. رشد سریع شهرها، افزایش تراکم فعالیت‌ها، تغییر الگوهای سکونت و جابه‌جایی، گسترش فضاهای تجاری و خودرومحور و در برخی موارد اولویت یافتن ملاحظات اقتصادی و کالبدی بر نیازهای اجتماعی، موجب شده است که بخشی از فضاهای عمومی از کیفیت لازم برای حضور و تعامل اجتماعی برخوردار نباشند. برخی از این فضاها در ساعات مشخصی از شبانه‌روز فعال هستند و پس از پایان فعالیت‌های اقتصادی، به محیط‌هایی کم‌تحرک و خلوت تبدیل می‌شوند. چنین وضعیتی نشان می‌دهد که توجه به امنیت اجتماعی باید از همان مراحل اولیه برنامه‌ریزی و طراحی شهری مورد توجه قرار گیرد و امنیت به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی در نظر گرفته شود. در این چارچوب، طراحی شهری می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای پیشگیرانه در ارتقای امنیت اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

هدف از این رویکرد صرفاً افزایش کنترل رسمی یا ایجاد موانع فیزیکی نیست، بلکه ایجاد محیطی است که به‌صورت طبیعی امکان حضور، مشاهده، تعامل و نظارت اجتماعی را افزایش دهد. ایجاد تنوع در کاربری‌ها، تقویت فعالیت‌های روزانه و شبانه، افزایش کیفیت روشنایی، ارتقای خوانایی و دیدپذیری، فعال‌سازی جداره‌های شهری، ساماندهی فضاهای متروک و رهاشده و فراهم کردن امکانات لازم برای حضور گروه‌های مختلف اجتماعی، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند هم‌زمان به افزایش سرزندگی و امنیت فضا کمک کنند. در واقع، محیط شهری مطلوب محیطی است که شهروندان در آن نه تنها احساس امنیت کنند، بلکه حضور آنان خود به عاملی برای تقویت امنیت سایر استفاده‌کنندگان تبدیل شود. این موضوع از منظر مدیریت شهری و سیاست‌گذاری نیز اهمیت قابل توجهی دارد. اتخاذ رویکرد پیشگیرانه در طراحی و مدیریت فضاهای شهری می‌تواند در بلندمدت از تحمیل بسیاری از هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی ناشی از ناامنی جلوگیری کند.

در چنین رویکردی، به جای آنکه پس از شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی صرفاً به اقدامات کنترلی و انتظامی متوسل شویم، می‌توان با شناسایی نقاط آسیب‌پذیر و اصلاح شرایط محیطی، زمینه‌های شکل‌گیری احساس ناامنی و رفتارهای آسیب‌زا را کاهش داد. از این منظر، شهرداری‌ها و مدیران شهری نقش مهمی در ایجاد و نگهداری فضاهایی دارند که از نظر کالبدی و اجتماعی قابلیت حضور و استفاده ایمن شهروندان را داشته باشند. از منظر اجتماعی نیز فضاهای عمومی ایمن می‌توانند بستر مناسبی برای تقویت مشارکت شهروندان و افزایش سرمایه اجتماعی فراهم کنند. حضور گروه‌های مختلف سنی و اجتماعی در یک فضای عمومی، امکان شکل‌گیری ارتباطات روزمره و تعاملات اجتماعی را افزایش می‌دهد و در نتیجه، احساس تعلق و هویت جمعی را تقویت می‌کند. هنگامی که شهروندان یک فضای شهری را متعلق به خود بدانند و در آن احساس آرامش و امنیت داشته باشند، احتمال مشارکت آنان در، استفاده و حتی نظارت غیررسمی بر فضا افزایش می‌یابد. بنابراین، امنیت اجتماعی و کیفیت فضای عمومی رابطه‌ای دوسویه دارند؛ از یک سو محیط مناسب می‌تواند احساس امنیت را افزایش دهد و از سوی دیگر، حضور و مشارکت شهروندان می‌تواند به حفظ کیفیت و امنیت محیط کمک کند. از اینرو، پرداختن به نقش طراحی فضاهای عمومی در ارتقای امنیت اجتماعی ضرورتی اساسی دارد. مطالعه این موضوع می‌تواند به شناسایی عوامل کالبدی و عملکردی مؤثر بر امنیت، شناخت نقاط ضعف و قوت فضاهای شهری و ارائه راهکارهای عملی نگهداری برای ارتقای کیفیت محیط کمک کند.

چنین رویکردی به‌ویژه در فضاهای عمومی تاریخی، تجاری و پرتردد اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا این فضاها معمولاً در ساعات مختلف شبانه‌روز الگوهای متفاوتی از حضور و فعالیت را تجربه می‌کنند و تغییرات زمانی در میزان فعالیت می‌تواند مستقیماً بر احساس امنیت شهروندان تأثیر بگذارد.

در نهایت، توجه به امنیت اجتماعی در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای عمومی را می‌توان بخشی جدایی‌ناپذیر از تلاش برای ارتقای کیفیت زندگی شهری و دستیابی به توسعه پایدار دانست. فضای عمومی ایمن و حضورپذیر، علاوه بر کاهش احساس ترس و ناامنی، می‌تواند به افزایش تعاملات اجتماعی، تقویت اعتماد و تعلق مکانی، ارتقای نشاط جمعی، افزایش فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی و تقویت هویت شهری منجر شود. از این منظر، امنیت اجتماعی نه یک هدف مستقل و جدا از سایر مؤلفه‌های برنامه‌ریزی شهری، بلکه یکی از پایه‌های اصلی شکل‌گیری شهرهای انسان‌محور، تاب‌آور و پایدار است. بر همین اساس، بررسی ارتباط میان ویژگی‌های کالبدی و عملکردی فضاهای عمومی با امنیت اجتماعی می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای شناخت بهتر مسائل موجود و ارائه راهکارهای مؤثر در جهت ارتقای کیفیت و امنیت محیط‌های شهری فراهم سازد.

۴. پیشنهاد پژوهش

امنیت در فضاهای شهری از گذشته تاکنون همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های پژوهشگران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری بوده است. شکل‌گیری و تحول شهرها نشان می‌دهد که امنیت شهروندان تنها به تأمین نظم و کنترل‌های انتظامی محدود نمی‌شود، بلکه تا حد زیادی با ویژگی‌های کالبدی، فضایی، اجتماعی و عملکردی محیط شهری ارتباط دارد. از این منظر، فضای شهری زمانی می‌تواند بستری امن و مطلوب برای زندگی روزمره شهروندان باشد که علاوه بر برخورداری از کیفیت‌های کالبدی مناسب، زمینه حضور، فعالیت، تعامل اجتماعی و نظارت طبیعی شهروندان را نیز فراهم کند. در دهه‌های اخیر، با گسترش شهرنشینی و افزایش پیچیدگی مسائل اجتماعی و فضایی شهرها، مفهوم امنیت شهری نیز از رویکردهای صرفاً انتظامی و جرم‌محور فاصله گرفته و به مفهومی چندبعدی تبدیل شده است. در این رویکرد، عواملی همچون خوانایی و دسترسی‌پذیری فضا، نحوه استقرار کاربری‌ها، کیفیت روشنایی، پیوستگی و نفوذپذیری شبکه معابر، امکان نظارت طبیعی، میزان حضورپذیری و سرزندگی فضا و همچنین احساس تعلق و مشارکت شهروندان، از جمله مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت و احساس امنیت در محیط شهری به شمار می‌روند. بنابراین، توجه به ویژگی‌های محیطی و اجتماعی فضاهای عمومی می‌تواند نقش مهمی در کاهش زمینه‌های بروز رفتارهای آسیب‌زا و افزایش احساس آرامش و امنیت شهروندان داشته باشد.

بر همین اساس، پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه امنیت شهری، از زوایای مختلف به بررسی رابطه میان محیط کالبدی و رفتارهای اجتماعی پرداخته‌اند. برخی مطالعات بر نقش طراحی و سازماندهی کالبدی فضا در پیشگیری از جرم و افزایش نظارت‌پذیری تأکید کرده‌اند، در حالی که گروهی دیگر اهمیت حضورپذیری، تنوع فعالیت‌ها، تعاملات اجتماعی و مشارکت شهروندان را مورد توجه قرار داده‌اند. همچنین، بخشی از مطالعات با تمرکز بر مفهوم «احساس امنیت»، نشان داده‌اند که امنیت ادراک‌شده شهروندان لزوماً با میزان واقعی وقوع جرم در یک فضا یکسان نیست و ویژگی‌های محیطی و کیفیت تجربه افراد از فضا می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر ادراک آنان از امنیت داشته باشد. از اینرو، مرور پیشنهاد پژوهش در حوزه امنیت فضاهای شهری، امکان شناخت رویکردهای نظری و تجربی شکل‌گرفته در این زمینه و همچنین شناسایی مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر امنیت و احساس امنیت را فراهم می‌کند. بررسی مطالعات پیشین همچنین نشان می‌دهد که امنیت شهری حاصل تعامل میان عوامل کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی است و نمی‌توان آن را صرفاً از یک منظر مورد بررسی قرار داد. بر این اساس، در ادامه، مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه بررسی و دسته‌بندی می‌شوند تا ضمن تبیین روند شکل‌گیری و تحول مطالعات امنیت شهری، زمینه نظری لازم برای تحلیل موضوع پژوهش حاضر و شناسایی خلأهای موجود در مطالعات پیشین فراهم شود. آزدود و همکاران (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «احساس امنیت در فضاهای شهری» به این نتیجه رسیدند که شهروندان در مرکز بافت تاریخی شهر پورتو رضایت چندانی از امنیت شهری ندارند. بیشتر شهروندان دزدی و قاچاق مواد مخدر را به‌عنوان رایج‌ترین جنایات در بافت تاریخی این شهر معرفی کردند. سبحانی و همکاران، (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «واکاوی فضایی احساس امنیت شهروندان در فضاهای شهری با رویکرد آینده‌پژوهی (مطالعه موردی: شهر خرم‌آباد)» نشان می‌دهد که بر اساس متغیرهای اثرگذار بر مدیریت امنیت در فضاهای شهری، وضعیت ناپایداری بر سیستم شهر خرم‌آباد حاکم است.

بهرامی و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «طراحی فضاهای شهری و تأثیر آن در ایجاد حس امنیت» مطرح می‌کند که امنیت، ارتباط مستقیمی با فضا و کیفیت محیط شهری دارد و راهکارهای را برای افزایش امنیت فضاهای شهری پیشنهاد می‌کند. حاتمی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر طراحی فضاهای سبز بزرگ، ایجاد احساس امنیت در بزرگ راه‌ها» نشان می‌دهد ارتباط میان سه متغیر اصلی کنترل فضا، نظارت و فعالیت در فضاهای سبز و ارتقای سطح کیفی فضا از طریق بهبود شرایط کالبدی منجر به افزایش احساس امنیت می‌شود.

ایزدی و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «ارتقای احساس امنیت در فضاهای عمومی با بهره‌گیری از طراحی شهری» به این نتیجه می‌رسد که امنیت در میدانی اصلی یک شهر، سرزندگی و پویایی آن را به دنبال خواهد داشت و ۳ عامل «پیاده‌مداری»، «زیبایی شناسی» و «امنیت شبانه» را مورد بررسی قرار می‌دهد.

جلالیان (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تأثیر عوامل کالبدی بوستان پلیس بر احساس امنیت شهروندان (مطالعه موردی، بوستان تهران پارس» نشان می‌دهد شاخص‌های کالبدی در پارک نامطلوب و میزان احساس امنیت شهروندان کم است. همچنین میان ساختار کالبدی و احساس امنیت رابطه‌ی معنادار و مستقیمی مشاهده می‌شود.

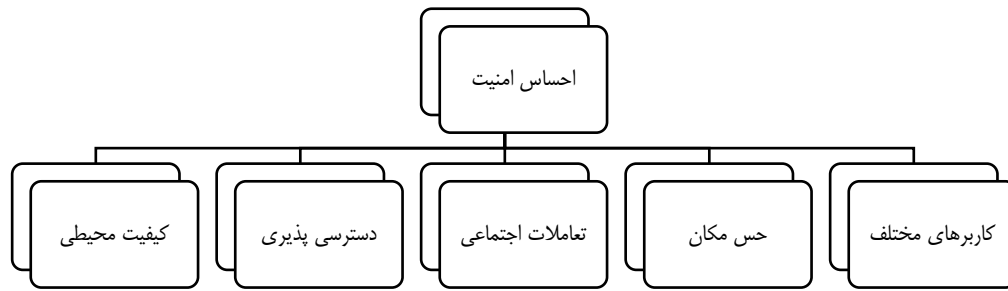
۵. یافته‌ها

در بررسی‌های جغرافیایی جرایم شهری به چند عامل کلیدی قانون، مجرم، قربانی جرم، مکان و زمان جرم مورد توجه قرار می‌گیرد. در میان این عوامل کلیدی، نقش مکان به صورت متمایز، از حوزه برنامه ریزی، طراحی و مدیریت شهری مورد قرار می‌گیرد. بر اساس تئوری مناطق جغرافیای بزهکاری، بیشترین رفتار آنومیک از نوع تبهکارانه آن مربوط به کیفیت محلات شهری است تا اثر خودشه‌رنشینی، بدین سان احتمالا محلات بزهکاری به وجود می‌آید که محل استقرار دائمی بزهکاران تبدیل می‌شود. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که اگر واقعا توزیع بزهکاری در شهر بر حسب مساحت جغرافیایی بین محلات شهری نمایش داده شود، محدوده‌های بزهکاری و حتی منزل بزهکاران در بعضی از محلات شهر متمرکز می‌گردد (گلشن، ۱۳۷۴). بر این اساس، شناخت الگوی مکانی جرایم می‌تواند مبنای مناسبی برای برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری با هدف پیشگیری از جرم باشد. هنگامی که نقاط و محدوده‌های جرم‌خیز یک شهر شناسایی می‌شوند، می‌توان ویژگی‌های مشترک این فضاها را از نظر کالبدی، اجتماعی و عملکردی مورد بررسی قرار داد و عوامل مؤثر در شکل‌گیری ناامنی را شناسایی کرد. عواملی مانند ضعف روشنایی، کاهش دیدپذیری، وجود فضاهای رهاشده و متروک، کمبود فعالیت‌های اجتماعی، تراکم پایین حضور شهروندان و ضعف نظارت طبیعی می‌توانند در ایجاد یا تشدید زمینه‌های بزهکاری مؤثر باشند. بنابراین، مداخله در این محدوده‌ها از طریق بهبود کیفیت کالبدی، افزایش حضورپذیری، تقویت تنوع کاربری‌ها، فعال‌سازی فضاهای عمومی و ایجاد امکان نظارت طبیعی می‌تواند ضمن کاهش فرصت‌های وقوع جرم، احساس امنیت شهروندان را نیز ارتقا دهد. از این منظر، توجه به مکان و ویژگی‌های محیطی آن، امکان حرکت از رویکرد صرفاً واکنشی و انتظامی به سمت رویکردی پیشگیرانه در برنامه‌ریزی و طراحی شهری را فراهم می‌سازد. ترس از جرم و در مقیاس کوچکتر، خود جرم و جنایت می‌تواند نه فقط مردم را بلکه حتی گروه‌های داوطلب را نیز از استفاده از فضای عمومی با وجود کیفیت خوب مانع شود. برای نمونه کودکان و نوجوانان اغلب از استفاده از پارک‌ها، میدان‌ها و خیابان‌ها به دلیل ترس والدین آنها از جرم منع می‌شوند. این در شرایطی است که زنان نیز اغلب با نگرانی‌هایی در این زمینه به مراتب بیشتر روبرو هستند. تغییرات فیزیکی و مدیریت خوب فضاهای عمومی می‌تواند از شدت این ترس به میزان زیادی بکاهد. چنین تغییراتی می‌تواند باعث استفاده همه شهروندان به مقدار زیاد از فضاهای عمومی شود (Mckay, ۱۹۹۸). در پروژه فضای امن، که در سال ۲۰۰۲ مطرح گردید، برای یک فضای امن چهار ویژگی تعیین شده است:

- بهره‌وری: مردم انتظار دارند از شرایط محیطی و امکانات یک فضا برای فعالیت‌های خود استفاده کنند. فضای خالی از فعالیت، نیاز به امنیت ندارد. اگر مردم در فضای اجتماعی، امنیت لازم را برای فعالیت‌های خود احساس نکنند، از حضور در فضاهای اجتماعی امتناع می‌ورزند.

- قابلیت دسترسی و ارتباط: یکی از معیارهای ارزیابی محیط امن، قابلیت دسترسی به امکانات موجود در آن است. راحت بودن و احساس آرامش: مردم ضمن آن که راحت بودن در فضا را مشاهده می‌کنند، باید تصور ذهنی خوشایندی از آن داشته باشند.

- داشتن روابط اجتماعی: مردم باید در روابط اجتماعی خود با دیگران در یک فضا احساس امنیت کنند و بتوانند در شبکه تعاملی فعال شوند (سفیری، ۱۳۸۷).



نمودار ۱. نمودار عوامل مؤثر بر امنیت شهری (منبع: نویسندگان)

در سال ۱۹۶۹ جفری اولین کسی بود که نظریه‌ی پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را ارائه داد. به نظر جفری جامعه شناسان به میزان قابل توجهی در عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم از قبیل محرومیت، تأثیرات فرهنگی، خانواده و... اغراق کرده و به عوامل بیولوژیکی و فیزیکی توجه نکرده‌اند. او بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار مجرمین قرار می‌دهد تأکید داشت و جرایم گوناگون را ناشی از فرصت‌های محیطی می‌دانست. این نظریه از شش جزء تشکیل شده است که عبارتند از: قلمروگرایی، نظارت، کنترل دسترسی، تصویر محیط سخت، آماج کردن و فعالیت‌های پشتیبانی (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹). محدوده مورد مطالعه، محور سپه واقع در منطقه ۱ شهرداری قزوین که از نظر تاریخی اولین خیابان ایران قلمداد می‌شود. این محور در گستره بافت تاریخی و قدیمی قزوین قرار گرفته است.

جدول ۱. شواهد و تحلیل مقوله‌های امنیت اجتماعی در فضای عمومی خیابان سپه (منبع: نویسندگان)

مقوله اصلی	شواهد از نمونه موردی خیابان سپه	تحلیل و تفسیر
حضورپذیری و فعالیت اجتماعی	در ساعات روز به دلیل وجود بازار و کاربری‌های تجاری، رفت‌وآمد بالاست؛ اما شب‌ها به شدت خلوت می‌شود.	طراحی وابسته به کاربری روزانه باعث کاهش امنیت در شب شده است.
روشنایی و دیدپذیری	بخشی از معابر و کوچه‌های فرعی متصل به خیابان سپه فاقد روشنایی کافی هستند.	کمبود نورپردازی باعث افزایش احساس ناامنی و کاهش نظارت طبیعی می‌شود.
تنوع کاربری‌ها	بیشتر کاربری‌ها تجاری‌اند؛ نبود کاربری‌های فرهنگی یا خدماتی که شب‌هنگام فعال باشند.	تک‌کارکردی بودن فضا امنیت اجتماعی را در ساعات غیرتجاری تضعیف کرده است.
نظارت طبیعی	حضور فروشندگان و رهگذران در روز نظارت طبیعی ایجاد می‌کند، اما شب‌ها این عامل از بین می‌رود.	امنیت خیابان وابسته به حضور روزانه است و پایداری ندارد.
میراث تاریخی و هویت مکانی	وجود بناها و بدنه‌های تاریخی (مثل مسجدالنبی و کاروانسراها).	می‌تواند به عنوان عامل جذب گردشگر و حضور پایدار استفاده شود، اما نیاز به احیا و بازنده‌سازی دارد.
عوامل تهدیدکننده	برخی خانه‌ها و مغازه‌های نیمه‌فعال یا متروک در اطراف خیابان.	این فضاهای رهاشده «نقاط کور» ایجاد کرده و ناامنی را تشدید می‌کنند.
کنترل دسترسی	خیابان اصلی باز و پررفت‌وآمد است؛ اما کوچه‌های فرعی باریک و کم‌نور به راحتی قابل دسترسی‌اند.	نبود کنترل در معابر فرعی سبب شکل‌گیری نقاط بی‌دفاع و افزایش احتمال رفتارهای پرخطر می‌شود.

با توجه به مطالعه‌های میدانی و برداشت‌ها، مهمترین الگوهای کالبدی و رفتاری و مشکل‌های فعلی آن عبارت‌اند از: وجود مراکز مذهبی متعدد از جمله مسجد جامع عتیق، مسجد شیخ‌السلام و امامزاده اسماعیل، وجود دست‌فروشان متعدد ساماندهی نشده، به‌ویژه در قسمت جنوب غربی، وجود وانت‌بارها با کارگران منتظر (با الگوی رفتاری تحرک اقتصادی غیروابسته به مکان)، بالاتر بودن میزان فعالیت قسمت جنوبی از قسمت شمالی و قسمت شرقی از قسمت غربی، مغایرت فعالیت‌های غالب در خیابان مانند سمساری‌ها، مصالح‌فروشی‌ها و خواروبارفروشی‌ها با جنبه‌های فرهنگی تاریخی آن، تداخل محورهای حرکتی سواره و پیاده به‌ویژه محورهای مجاور مسجد جامع که به

جلوخان مسجد ختم می‌شود، نبود چراغ‌های عابر پیاده در نقاط حساس و پر رفت و آمد، مانند مقابل سردر عمارت عالی‌قاپو، تجمع افراد جویای کار و دست‌فروشان در مقابل بازارچه سپه و مسجد جامع به دلیل نبود تعریف حریم عبوری و حریم سکون (خطیبی، ۱۳۹۴).

یافته‌های به‌دست‌آمده از بررسی خیابان سپه در قالب شش مقوله‌ی اصلی دسته‌بندی شدند که هر یک نشان‌دهنده‌ی بخشی از رابطه میان طراحی فضاهای عمومی و امنیت اجتماعی است. این مقوله‌ها شامل حضورپذیری و فعالیت اجتماعی، روشنایی و دیدپذیری، تنوع کاربری‌ها، نظارت طبیعی، میراث تاریخی و هویت مکانی، و در نهایت عوامل تهدیدکننده هستند. داده‌ها نشان می‌دهند که اگرچه خیابان سپه در طول روز به دلیل فعالیت‌های تجاری و حضور شهروندان از سطحی از امنیت اجتماعی برخوردار است، اما شب‌هنگام با چالش‌هایی همچون کاهش حضور، ضعف روشنایی و رهاشدگی برخی فضاها مواجه می‌شود. جدول زیر خلاصه‌ای از شواهد و تحلیل‌های مرتبط با این مقوله‌ها را ارائه می‌دهد.

یافته‌های حاصل از بررسی و تحلیل وضعیت خیابان سپه نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی در این محدوده، پدیده‌ای ثابت و یکسان در طول شبانه‌روز نیست، بلکه تحت تأثیر مستقیم زمان، میزان حضور شهروندان، نوع و شدت فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و همچنین ویژگی‌های کالبدی محیط قرار دارد. به بیان دیگر، کیفیت امنیت در خیابان سپه در ساعات مختلف شبانه‌روز دچار تغییر می‌شود و این تغییر بیش از هر چیز به میزان پویایی و حضورپذیری فضا وابسته است. در ساعات روز، فعالیت گسترده واحدهای تجاری، حضور خریداران و فروشندگان، رفت‌وآمد عابران و ارتباطات اجتماعی میان استفاده‌کنندگان از فضا، موجب شکل‌گیری نوعی نظارت طبیعی بر محیط می‌شود. در چنین شرایطی، حضور مستمر افراد باعث می‌شود فضا از حالت خلوت و بی‌دفاع خارج شده و امکان مشاهده و کنترل غیررسمی فعالیت‌ها توسط شهروندان افزایش یابد. بنابراین، حضورپذیری بالا در طول روز را می‌توان یکی از عوامل اصلی تقویت احساس امنیت در این محدوده دانست. در مقابل، با کاهش فعالیت‌های اقتصادی و تعطیلی بخش عمده‌ای از واحدهای تجاری در ساعات شب، ساختار اجتماعی و عملکردی خیابان دچار تغییر می‌شود. کاهش تردد عابران، نبود فعالیت‌های متنوع و محدود شدن حضور شهروندان، موجب کاهش نظارت طبیعی بر فضا شده و در نتیجه بخش‌هایی از خیابان در ساعات شب حالتی خلوت و کم‌تحرک پیدا می‌کنند. این وضعیت، حتی در شرایطی که الزاماً وقوع جرم یا رفتار مجرمانه‌ای در فضا افزایش نیافته باشد، می‌تواند ادراک و احساس ناامنی را در میان شهروندان تقویت کند. به عبارت دیگر، خلوتی فضا، کاهش حضورپذیری و نبود فعالیت‌های مستمر می‌تواند از طریق ایجاد تصور آسیب‌پذیری، بر نحوه ادراک افراد از امنیت محیط تأثیرگذار باشد. بنابراین، یکی از یافته‌های مهم پژوهش آن است که امنیت اجتماعی خیابان سپه ارتباط مستقیمی با تداوم حضور و فعالیت شهروندان در ساعات مختلف شبانه‌روز دارد. از نظر ویژگی‌های کالبدی نیز نتایج بررسی نشان می‌دهد که وضعیت روشنایی، دیدپذیری و نحوه شکل‌گیری جداره‌های شهری در نقاط مختلف خیابان یکسان نیست. در بخش‌هایی از محور اصلی، وجود روشنایی مناسب و حضور عابران، امکان مشاهده و تشخیص فعالیت‌های پیرامونی را افزایش داده و به تقویت احساس امنیت کمک می‌کند. با این حال، در برخی کوچه‌های فرعی متصل به محور اصلی، فضاهای کم‌نور، جداره‌های بسته یا متروک و نقاطی که از دید مستقیم عابران خارج هستند، شرایط متفاوتی ایجاد کرده‌اند. این نقاط را می‌توان به‌عنوان فضاهای کم‌نظارت یا نقاط آسیب‌پذیر محیطی در نظر گرفت؛ زیرا کاهش دیدپذیری و نبود حضور مستمر افراد، امکان شکل‌گیری رفتارهای ناهنجار و همچنین احساس ترس و ناامنی را افزایش می‌دهد. بنابراین، کیفیت روشنایی به‌تنهایی تعیین‌کننده امنیت نیست، بلکه ترکیب آن با میزان دیدپذیری، حضور افراد و نحوه سازماندهی فضایی اهمیت بیشتری دارد.

یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش به ساختار کاربری زمین و تنوع فعالیت‌ها در خیابان سپه مربوط می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از فعالیت‌های موجود در این محور به کاربری‌های تجاری وابسته است و با تعطیلی واحدهای تجاری، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های جاری فضا نیز متوقف می‌شود. در نتیجه، نوعی وابستگی زمانی میان فعالیت اقتصادی و حضور اجتماعی در خیابان شکل گرفته است.

نبود کاربری‌های مکمل نظیر فعالیت‌های فرهنگی، خدماتی، گردشگری، پذیرایی و تفریحی موجب شده است که خیابان نتواند در ساعات مختلف شبانه‌روز عملکردی فعال داشته باشد. در چنین شرایطی، فضای شهری در طول روز از پویایی مناسبی برخوردار است، اما در ساعات شب با کاهش شدید فعالیت مواجه می‌شود. این وضعیت نشان می‌دهد که تنوع کاربری‌ها می‌تواند از طریق توزیع زمانی حضور شهروندان، به افزایش سرزندگی و در نتیجه تقویت نظارت اجتماعی و امنیت محیط کمک کند. از سوی دیگر، وجود عناصر تاریخی و ارزشمند در محدوده خیابان سپه، ظرفیت قابل توجهی برای تقویت هویت مکانی، جذب گردشگر و افزایش حضور اجتماعی در این محور ایجاد کرده است. بناها و عناصر تاریخی مانند مسجدالنبی و کاروانسراهای قدیمی، علاوه بر ارزش معماری و تاریخی، می‌توانند به‌عنوان عناصر مولد فعالیت و جاذب حضور شهروندان مورد استفاده قرار گیرند.

فعال‌سازی این ظرفیت می‌تواند با ایجاد فعالیت‌های فرهنگی، گردشگری، هنری و خدماتی در اطراف بناهای تاریخی، زمینه حضور گروه‌های مختلف اجتماعی را در ساعات متنوع فراهم کند. با این حال، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در شرایط کنونی، بخشی از این ظرفیت تاریخی و هویتی به‌صورت کامل در چرخه فعالیت شهری قرار نگرفته است. وجود برخی بناها و جداره‌های متروک، فضاهای رهاشده و نقاط فاقد فعالیت، از یک سو کیفیت بصری محیط را کاهش داده و از سوی دیگر با ایجاد فضاهای کم‌نظارت، بر احساس ناامنی شهروندان تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که میان کیفیت کالبدی فضا و میزان حضور اجتماعی رابطه‌ای متقابل وجود دارد. به این معنا که محیط نامطلوب، کم‌نور، متروک و فاقد فعالیت می‌تواند موجب کاهش حضور شهروندان شود و کاهش حضور نیز به نوبه خود نظارت طبیعی و امنیت اجتماعی را تضعیف کند. در مقابل، فضاهایی که از روشنایی مناسب، دیدپذیری مطلوب، فعالیت‌های متنوع، جداره‌های فعال و حضور مستمر شهروندان برخوردارند، امکان نظارت اجتماعی بیشتری دارند و معمولاً احساس امنیت بالاتری ایجاد می‌کنند. بنابراین، امنیت اجتماعی خیابان سپه را نمی‌توان تنها از طریق افزایش کنترل‌های رسمی یا اقدامات انتظامی ارتقا داد؛ بلکه لازم است مجموعه‌ای از عوامل کالبدی، عملکردی و اجتماعی به‌صورت هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد.

در مجموع، یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مهم‌ترین مسئله امنیت اجتماعی در خیابان سپه، گسست میان فعالیت روزانه و فعالیت شبانه و در نتیجه کاهش حضور و نظارت طبیعی در ساعات کم‌تحرک است. تمرکز فعالیت‌ها بر کاربری‌های تجاری، کمبود کاربری‌های مکمل، وجود نقاط کم‌نور و کم‌دید، جداره‌ها و بناهای متروک و استفاده محدود از ظرفیت‌های تاریخی، از مهم‌ترین عواملی هستند که در تضعیف امنیت ادراک‌شده این محور نقش دارند. در مقابل، حضور گسترده شهروندان در ساعات روز، فعالیت بازار، وجود عناصر تاریخی و هویت مکانی و ظرفیت بالای محور برای جذب فعالیت‌های گردشگری و فرهنگی، مهم‌ترین فرصت‌های موجود برای ارتقای امنیت اجتماعی محسوب می‌شوند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که افزایش امنیت اجتماعی در خیابان سپه بیش از آنکه صرفاً به معنای افزایش کنترل و نظارت رسمی باشد، مستلزم ایجاد محیطی پویا، فعال و حضورپذیر در تمام ساعات شبانه‌روز است. افزایش تنوع کاربری‌ها و استقرار فعالیت‌های مکمل، ارتقای کیفیت و تداوم روشنایی، بهبود دیدپذیری در کوچه‌ها و فضاهای فرعی، ساماندهی جداره‌ها و بناهای متروک و فعال‌سازی ظرفیت‌های تاریخی و گردشگری می‌تواند زمینه افزایش حضور شهروندان و شکل‌گیری نظارت طبیعی را فراهم کند. در نهایت، تقویت حیات اجتماعی و اقتصادی خیابان در ساعات مختلف شبانه‌روز می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردهای ارتقای امنیت اجتماعی و احساس امنیت در خیابان سپه مورد توجه قرار گیرد.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی انجام‌شده در این پژوهش نشان داد که امنیت اجتماعی در فضاهای شهری پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده است که نمی‌توان آن را صرفاً به حضور نیروهای انتظامی، کنترل رسمی یا اقدامات بازدارنده محدود کرد. امنیت در محیط شهری تا حد زیادی تحت تأثیر کیفیت کالبدی، نحوه سازمان‌دهی فضایی، میزان حضورپذیری، تنوع فعالیت‌ها، کیفیت دسترسی، روشنایی و همچنین ویژگی‌های هویتی و تاریخی مکان قرار دارد. از این منظر، فضای شهری زمانی می‌تواند بستری امن و مطلوب برای زندگی اجتماعی باشد که علاوه بر برخورداری از شرایط کالبدی مناسب، امکان حضور مستمر و تعامل گروه‌های مختلف اجتماعی را نیز فراهم کند. بنابراین، امنیت اجتماعی را باید نتیجه تعامل میان ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی فضا و نحوه استفاده شهروندان از آن دانست. یافته‌های پژوهش نشان داد که حضورپذیری و استمرار فعالیت در فضا از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت اجتماعی در خیابان سپه است. هرچه تعداد بیشتری از شهروندان در ساعات مختلف شبانه‌روز در فضا حضور داشته باشند و فعالیت‌های متنوعی در آن جریان داشته باشد، امکان نظارت طبیعی افزایش یافته و فرصت بروز رفتارهای آسیب‌زا کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش اهمیت روشنایی و کیفیت نورپردازی را در ادراک و واقعیت امنیت اجتماعی نشان داد. ضعف روشنایی در برخی معابر فرعی و نقاط کم‌رفت‌وآمد، می‌تواند موجب کاهش قابلیت مشاهده و نظارت طبیعی شده و احساس ناامنی را در میان شهروندان افزایش دهد. بنابراین، نورپردازی مناسب نباید صرفاً با هدف زیباسازی فضای شهری انجام شود، بلکه لازم است به‌عنوان یکی از عناصر اصلی طراحی ایمن مورد توجه قرار گیرد. روشنایی یکنواخت و هدفمند در مسیرهای پیاده، ورودی‌ها، معابر فرعی، فضاهای مکث، نقاط اتصال و اطراف بناهای تاریخی می‌تواند قابلیت دیدپذیری فضا را افزایش داده و زمینه نظارت طبیعی را تقویت کند. در عین حال، طراحی نورپردازی باید با ویژگی‌های تاریخی و معماری خیابان سپه هماهنگ باشد تا ارتقای امنیت به قیمت آسیب به هویت تاریخی محور تمام نشود. وجود جداره‌های متروک، فضاهای رهاشده و بخش‌هایی با فعالیت محدود نیز از دیگر عوامل مؤثر بر کاهش امنیت اجتماعی شناسایی شد. یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش، نقش ظرفیت‌های میراث تاریخی در ارتقای امنیت اجتماعی است. خیابان سپه قزوین صرفاً یک مسیر عبوری یا تجاری نیست، بلکه بخشی از ساختار تاریخی و هویتی شهر محسوب می‌شود. بناها، جداره‌ها و عناصر تاریخی موجود در این محور می‌توانند به‌عنوان عناصر محرک برای افزایش حضور شهروندان و

گردشگران مورد استفاده قرار گیرند. فعال‌سازی این ظرفیت‌ها از طریق برگزاری رویدادهای فرهنگی، نمایشگاه‌های هنری، برنامه‌های گردشگری، فعالیت‌های اجتماعی و رویدادهای شبانه می‌تواند موجب افزایش حضور گروه‌های مختلف در ساعات متنوع شود. در نهایت، می‌توان گفت که ارتقای امنیت اجتماعی در خیابان سپه قزوین نیازمند مداخله‌ای یکپارچه و چندسطحی است؛ مداخله‌ای که در آن کالبد، عملکرد، فعالیت اجتماعی، میراث تاریخی و مدیریت شهری در ارتباط با یکدیگر دیده شوند. تأکید صرف بر افزایش کنترل رسمی یا اقدامات انتظامی، بدون توجه به عوامل زمینه‌ای مؤثر بر کاهش حضورپذیری و سرزندگی، نمی‌تواند راهکاری پایدار برای ارتقای امنیت باشد. در مقابل، ایجاد فضایی روشن، خوانا، فعال، متنوع، قابل‌دسترس و دارای هویت تاریخی می‌تواند از طریق افزایش حضور شهروندان و تقویت نظارت طبیعی، امنیت واقعی و ادراک‌شده را به‌صورت هم‌زمان ارتقا دهد. بنابراین، خیابان سپه قزوین را می‌توان نمونه‌ای قابل‌توجه از پیوند میان حفاظت از میراث تاریخی، بازآفرینی شهری و ارتقای امنیت اجتماعی دانست. بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های تاریخی این محور، همراه با اصلاح کاستی‌های کالبدی و عملکردی، می‌تواند آن را از یک فضای صرفاً عبوری و تجاری به محیطی پویا، سرزنده و اجتماعی تبدیل کند. تحقق چنین رویکردی نه تنها به کاهش عوامل مؤثر بر احساس ناامنی کمک خواهد کرد، بلکه می‌تواند موجب افزایش تعلق مکانی، تقویت هویت شهری، رونق فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان شود. از این منظر، امنیت اجتماعی نه پیامد فرعی طراحی شهری، بلکه باید یکی از اهداف بنیادین برنامه‌ریزی و بازآفرینی فضاهای عمومی تاریخی در شهر قزوین تلقی شود..

۷. منابع فارسی و انگلیسی

- الیاس زاده مقدم، س. ن.، و ظابطیان، ا. (۱۳۸۹). بررسی شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۴، ۴۳-۵۶.
- پاکزاد، ج. (۱۳۸۵). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- جلالیان، س. ا. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر عوامل کالبدی بوستان پلیس بر احساس امنیت شهروندان، مطالعه موردی: بوستان تهران پارس. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۳۸(۳).
- حسینیون، س. (۱۳۸۶). ایجاد حس مکان در فضاهای شهری. مجله شهرداری‌ها، شماره ۸۲.
- حبیبی، س. م. (۱۳۷۸). جامعه مدنی و حیات شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۷.
- خطیبی، س. م. (۱۳۹۴). کاربرد فرایند برنامه‌ریزی اختیاری راهبردی به‌عنوان رهیافتی در برنامه‌ریزی تجدید حیات شهری در ساماندهی الگوهای رفتاری شهروندان (مطالعه موردی: خیابان سپه قزوین)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۷(۳).
- زارعی، غ. و الماسی، ف. (۱۳۹۵). تحلیلی بر ارزیابی مؤلفه‌های احساس امنیت شهروندان با تکنیک (SWOT)، مطالعه موردی: کرمانشاه، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه.
- سیحانی، ن. و بیرانوند زاده، م. و گرامی طیبی، م. و سید بیگی، ص. (۱۳۹۷). واکاوی فضایی احساس امنیت شهروندان در فضاهای شهری با رویکرد آینده‌پژوهی، مطالعه موردی: شهر خرم‌آباد، مطالعات نواحی شهری.
- سفیری، خ. (۱۳۸۷). نقش نهادهای غیردولتی محلی در تأمین امنیت اجتماعی، مجله مطالعات.
- سلیمانی، ع. و ماروسی، ع. و فرامرزی، م. (۱۳۵۸). تحلیلی بر تأثیر برنامه‌ریزی کالبدی بر رفتار در فضاهای شهری، مطالعه موردی خیابان امام ارومیه، فصلنامه برنامه‌ریزی و تحقیقات شهری، ۹(۳۳)، ۴۹-۶۸.
- شریعتی مزینانی، س. و فروغ‌زاده، س. (۱۳۹۶). فضاهای عمومی و امنیت زنان در شهر مشهد، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی.
- کامران، ح. و شعاع برآبادی، علی. (۱۳۸۹). بررسی امنیت شهری در شهرهای مرزی، مطالعه موردی: شهر تایباد، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۲۵.
- کلانتری، م. و توکلی، م. (۱۳۸۶). شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم‌خیز شهری، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، سال دوم.
- لطفی، س. و بردی آنامرادنژاد، ر. و ساسانی‌پور، م. (۱۳۹۳). بررسی احساس امنیت در فضاهای عمومی، مطالعه موردی کلان‌شهر شیراز، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۵(۱۹): ۳۹-۵۶.

- لرستانی، ا. و جاری، م.، وحسینی موحد، س. ج. و بیرانوند زاده، م. (۱۳۹۱). برنامه‌ریزی راهبردی برای ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری، مطالعه موردی: بافت فرسوده اطراف مسجد جامع قم، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی زاگرس.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۴). طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی. ترجمه فرهاد مرتضایی. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- موسوی، م. ن.؛ ویسیان، م.؛ محمدی حمیدی، س.؛ اصغری، م. (۱۳۹۴). حس امنیت در فضاهای شهری، نمونه موردی: شهر سرخس، فصلنامه جغرافیا، ۱۳(۴۵): ۱۸۵-۲۰۲.
- گلشن، ر. (۱۳۷۴). جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، انتشارات مجد.
- Ardalan, N. (۱۹۸۰). Places of public gathering. In L. Safran (Ed.), Places of Public Gathering in Islam. Philadelphia: Aga Khan Award for Architecture.
- Azevedo, V., Sani, A., Nunes, L., & Paulo, D. (۲۰۲۱). Do you feel safe in the urban space? From perceptions to associated variables. Anuario de Psicologia Juridica.
- Estrela, E., & Smaniotto Costa, C. (۲۰۱۹). Reflections on territorial capacity: The interplay between education and understanding and acting in the urban fabric, between digital and analog perspective. pp. ۴۷-۵۸.
- Mckay, T. (۱۹۹۸). Empty spaces, dangerous places. ICA Newsletter, Vol. ۱(۳).
- Oldenburg, R. (۱۹۹۹). The great good place: Cafes, coffee shops, community centers ... and how they get through the day. New York: Paragon House.
- Samuels, R. (۱۹۹۶). Crime prevention through environmental design: Community participation and after-dark design. Security in Government ۹۶ Conference. Attorney General Department.
- Tibbalds, F. (۲۰۰۸). Citizenship Urbanism. Translated by Mohammad Ahmadinejad. Isfahan: Soil Publishing.
- Walzer, M. (۱۹۸۶). Pleasures and costs of urbanity. Dissent, ۳۳(۴), ۴۷۰-۴۷۵.
- Woolley, H. (۲۰۰۳). Urban open spaces. London: Spon Press.

The Impact of Public Space Design on Enhancing Urban Social Safety: A Case Study of Sepah Street, Qazvin

Qasem Mafi^۱, Hasan Sajedi^۲

Abstract

Social security in urban public spaces is one of the fundamental prerequisites for the vitality of collective life and the enhancement of citizens' quality of life. In recent decades, rapid urbanization, the expansion of defenseless urban areas, and the emergence of placeless neighborhoods have increased the sense of insecurity among urban residents. This feeling—regardless of whether it fully corresponds with crime statistics—has serious consequences for citizens' behavioral patterns, including reduced presence in public spaces, a decline in social interactions, and the weakening of social capital. Under such conditions, conscious and purposeful design of public spaces can play a crucial role in preventing social disorders and strengthening the sense of safety. Factors such as adequate night lighting, diversity and dynamism of land uses, natural surveillance through the continuous presence of citizens, elimination of abandoned or unused spaces, visual transparency, and attention to human scale can significantly contribute to enhancing social security and fostering a stronger sense of belonging to urban spaces. The research method of this study is qualitative with an interpretive approach, and the data collection technique is documentary analysis. This study, aiming to examine the role of public space design in improving urban social security, seeks to explore both theoretical and practical dimensions of the issue and, based on available evidence, to introduce patterns and criteria that can be applied in urban management and policy-making processes. The significance of this research lies in the fact that social security serves as a vital link between citizens and urban spaces, and is a key condition for the sustainability of urban life. Achieving safer and more vibrant cities undoubtedly requires serious attention to the quality of public space design, as these spaces are the main stage for everyday urban experiences and reflect the level of social and cultural development of each society. The findings indicate that improving the quality of public space design—through increased presence, functional diversity, and strengthened natural surveillance—can effectively foster higher levels of social security in urban environments.

Keywords: Public space design, Social safety, Urban management, Urban public space.

^۱ Master of Science in Urban Planning, Islamic Azad University, Qazvin, Iran (Corresponding Author)

^۲ Architectural Expert, Deputy of District, Municipality of Qazvin.